

کوه موش زایید؟!

سرانجام کمیته ویژه دولت خاتمی برای رسیدگی به خواست های معلمان، پس از این پا و آن پا کردن، بخشنامه ای مشتمل بر هفت ماده را به مدارس سراسر کشور ابلاغ نمود.

این مصوبه تاریخ ۱۷ بهمن را دارد، اما اکنون که حدود ده روز از صدور آن می گذرد، تازه برخی رسانه ها اقدام به انعکاس مفاد آن نموده اند. علت این مخفی کاری را یکی از اصلاح طلبان حکومتی طی گفت و گویی با رادیو اروپای آزاد، «هراس دولت از بروز اعتراضات مشابه در سایر اقشار اجتماعی» ذکر کرد و اینکه «راهپیمایی برای افزایش دستمزد و حقوق، به یک اپیدمی تبدیل نشود.»!

اما ببینیم اعتراضات متعدد معلمان ایران در نیمه دوم دیماه و نیمه اول بهمن ماه تا چه حد توانسته دولت مدعی اصلاحات و مردمسالاری را به عقب نشینی وادار کند. از مشاهده بخشنامه هفت ماده ای مذکور درمی یابیم که با هیچیک از خواست های اصلی معلمان که بویژه در قطعنامه آخرین راهپیمایی تهران فرموله شده بود موافقت نشده است. رئوس این مطالبات در سه بند خلاصه می شد: ۱. افزایش دستمزد معلمان تا سطح اعلام شده خط فقر ۲. رفع تبعیض میان معلمان و سایر حقوق بگیران دوایر دولتی در زمینه مزایایی چون: بن و جیره نقدی، حق تغذیه و ایاب و ذهاب، وام مسکن، اضافه کاری و فوق العاده شغل ۳. حق ایجاد اتحادیه سراسری و مستقل معلمان.

دولت خاتمی در بخشنامه خود به جای افزایش اصل دستمزدها، تنها فوق العاده شغلی را تا ۱۵ درصد افزایش داده (که به گفته یک آموزگار حدود پنج هزار تومان در ماه خواهد شد) تسهیلات کوچکی در زمینه وام مسکن و وام قرض الحسنه قایل شده و میزان دریافت بن و جیره غیرنقدی را افزایش داده است. همه این به اصطلاح عقب نشینی ها به گفته آقای بهرنگ، یکی از سازمان دهندگان اعتراضات معلمان، تنها چیزی حدود بیست هزار تومان بر دریافتی معلمان خواهد افزود که حکایت «کوه موش زایید» را به ذهن متبادر می کند. میزان این عقب نشینی آنچنان ناچیز بوده که تعدادی از نمایندگان اصلاح طلب مجلس و از جمله حسین لقمانیان (نماینده همدان) اعتراف کردند که بخشنامه دولت فرسنگ ها با مطالبات واقعی معلمان فاصله دارد. مثلا اگر خواست اول معلمان یعنی افزایش دستمزد تا سطح اعلام شده خط فقر را در نظر بگیریم، دولت می بایست حداقل ماهی صد هزار تومان بر حقوق فعلی معلمان اضافه می کرد. توجه داشته باشیم که معلمان در زمینه افزایش دستمزد، حداقل تقاضا را مطرح کرده بودند والا حق آنها و سایر اقشار طبقه کارگر است که خواستار «افزایش دستمزد به تناسب نرخ تورم و هزینه زندگی یک خانوار پنج نفره» باشند تا میزان درآمدشان تازه به سال های نخستین بعد از انقلاب برسد.

از این رو بر هر معلم آگاه و مبارزی ثابت شده که هیچیک از جناح بندی های حکومتی مایل به تحقق خواست های عادلانه آنها نیستند و همین حد از عقب نشینی ناچیز نیز محصول اعتراضات متعدد آنها در چندین شهر است. یعنی در صورت عدم مبارزه، دولت همین امتیازات بی رمق را نیز از معلمان دریغ می کرد. این خود نشان می دهد که بدون تداوم مبارزه سراسری، معلمان زحمتکش کشورمان نمی توانند به مطالبات عادلانه خود دست یابند. در چنین شرایطی که تشکل های وابسته به جناح های حکومتی خود را تماما تسلیم رژیم نموده اند، تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل معلمان و پیوند آنها با یکدیگر در یک اتحادیه سراسری مستقل، یکی از مهمترین اولویت های معلمان مبارز است.

* چک بی محل!!

دولت خاتمی با ارسال لایحه ای به مجلس خواستار موافقت مجلس با پیوستن رژیم اسلامی ایران به جمع کشورهای امضا کننده موافقت نامه جهانی رفع تبعیضات علیه زنان، شده است. این پیشنهاد در حالی طرح می شود که همه جناح های حکومتی به روشنی از تضاد و تناقض بسیاری از بندهای عهدنامه مذکور با قوانین شرعی دین اسلام و قوانین رسمی جمهوری اسلامی خبر دارند. پس این سوال بوجود می آید که چرا علیرغم علم بر این مساله، حاضرند کماکان برپای معاهده مذکور امضا گذارند؟ (البته اگر فرض گیریم این لایحه دولت، توسط مجلس تصویب شود و از سد سکندر شورای نگهبان عبور کند) پاسخ این پرسش را باید در فواید دیپلماتیک و خارجی آن جست وجو کرد. از نقطه نظر روابط بین المللی، امضا نکردن معاهده های مهم بین المللی نظیر «منشور جهانی حقوق بشر»، «عهدنامه حقوق کودک»، «موافقتنامه منع نژاد پرستی»، «منع شکنجه» و غیره تأثیرات سویی بر جای می گذارد و چنین رژیم هایی ممکن است تحت فشار افکار عمومی بین المللی، دچار انزوای خفه کننده ای شوند. خود این مساله، کار دولت های غربی را برای گسترش رابطه با دولت هایی که رسما حقوق بشر را انکار می کنند، دشوار می سازد و آنها را ممکن است در برابر افکار عمومی ترقیخواه کشورهای خود قرار دهد.

رژیم اسلامی که تجربه امضای منشور جهانی حقوق بشر توسط رژیم شاه را به دنبال دارد و خود نیز در چند ساله گذشته از طریق امضای «عهدنامه حقوق کودک» و دیگر موافقتنامه های بین المللی، کسب تجربه نموده که ظاهرا می توان با صدور این نوع چک های بی محل و «خالی بندی های سیاسی» و پزهای دیپلماتیک و متمدنانه، از یک طرف برای رژیم اسلامی (در قیاس با دیگر رژیم های عقب مانده و استبدادی نظیر عربستان) اعتبار خرید و از طرفی دیگر هیچ الزامی برای عملی کردن و پیاده نمودن مفاد عهدنامه های بین المللی در داخل ایران نداشت. بنابراین رُست اخیر دولت خاتمی را باید جزو سایر «حرف های بی مالیات» او گذاشت که به خیال خود می تواند با آن سر مردم ایران و جهان در رابطه با کارنامه سیاه رژیم اسلامی در زمینه مبانی حقوق بشر شیره بمالد!! اگر رژیم شاه با امضای منشور

جهانی حقوق بشر نه از ابعاد اختناق کاست و نه از حجم وحشیگری های ساواک، چرا جمهوری اسلامی نتواند با امضای موافقتنامه های مربوط به حقوق کودک و یا زنان، همین دوگانگی را به پیش ببرد. اگر امضای عهدنامه های سازمان جهانی کار برای طبقه کارگر ایران ثمره ای به بار نیاورد و اگر امضای مفاد جهانی حقوق کودک، تاثیری بر وضعیت کودکان ایرانی نداشته و ظرف سال های اخیر شاهد رشد پدیده های منفی ای چون «کودکان کارگر» و «کودکان خیابانی» بوده ایم، چه اشکالی دارد که دولت به طور صوری «برابری جهانی زن و مرد» و رفع تبعیضات جنسی را بپذیرد اما در عمل به قوانین و تبعیضات قرون وسطایی خود وفادار باشد. بر همه و از جمله فعالین جنبش زنان روشن است که رژیم اسلامی حتی در صورت امضای نهایی عهدنامه رفع تبعیض علیه زنان نیز نه برابری زن و مرد در ارث، شهادت، قضاوت، حضانت کودک و طلاق را خواهد پذیرفت و نه حق برابر آنها را برای تصدی همه مشاغل از جمله احراز پست های حکومتی.

این مساله را حتی برخی اصلاح طلبان مدافع دولت خاتمی نیز به نوعی اعتراف می کنند. مثلاً خانم «محبوبه عباسقلی» سردبیر فصلنامه «فرزانه» می گوید که امضای عهدنامه مذکور همچون مورد کودکان، هیچ بازتاب مستقیم و فوری بر وضعیت زنان ایران نخواهد داشت. او به هم خوردن مناسبات سنتی مربوط به روابط زن و مرد را محصول پیشرفت جنبش زنان می داند، هرچند در همان حال، وضعیت زنان ایران را از بسیاری از کشورها که این عهدنامه را قبلاً امضا کردند، بهتر می داند!! ولی برای اثبات ادعای خود هیچ فاکتی را ارایه نمی دهد. با این همه تاکید بر نقش جنبش مستقل زنان برای به چالش طلبیدن قوانین، سنت ها و فرهنگ مردسالارانه و پدرسالارانه، پارامتر درستی است که وضعیت و حقوق زنان ایران تا حدود زیادی به میزان پیشرفت در این پیکار مهم و حیاتی بستگی دارد.